



Exploring the Research Paradigm of “Al-Hayat al-Tayyiba” in Light of Muhammad Husayn Tabataba’i’s Thought

Ebrahim Kimiyaei Devin¹ , Farshad Shariat² , Mohammadreza Tabatabaei³ ,
Omid Shafiei Ghahfarokhi⁴ 

Submitted: 2024.05.29

Accepted: 2025.01.29

Abstract

“Al-Hayat al-Tayyiba” (the Qur’anic concept of a pure life) represents a higher, genuine, and elevated form of existence, surpassing ordinary life and carrying ontological implications. This concept can inform notions of progress, well-being, and happiness, which in today’s modern world structure diverse realms of individual, familial, social, and political activities. However, the extensive and varied application of this concept has led to conceptual ambiguity, complicating its systematic use by researchers. A research paradigm provides a framework for understanding the nature of knowledge and the methods of its production, enabling researchers to identify the fundamental assumptions and beliefs shaping their inquiry. Accordingly, the main objective of this study is to explicate the research paradigm of al-Hayat al-Tayyiba based on the thought of Muhammad Husayn Tabataba’i, using a text-oriented hermeneutic approach and documentary data collection. The research paradigm of al-Hayat al-Tayyiba was developed along four elements: ontology, axiology, epistemology, and methodology. Ontologically, al-Hayat al-Tayyiba actualizes through a gradual ascent across the three realms of existence—from the material, through the imaginal, to the intellectual. Axiologically, the ultimate value of this life lies in the realization of the station of Divine Vicegerency (*khalifa Allah*). Epistemologically, comprehension and attainment of this life are contingent upon the soul’s existential journey and the exercise of practical mental constructs (*i’tibāriyāt*). Methodologically, faith and righteous deeds constitute the two fundamental pillars for actualizing al-Hayat al-Tayyiba. However, the manner and process of actualization are also contingent upon the principle of contextual embeddedness.

Keywords

research paradigm, al-Hayat al-Tayyiba, Muhammad Husayn Tabataba’i, Qur’an

© The Author(s) 2025.



1. Ph.D. Graduate in Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) (kimiyaei@isu.ac.ir)

2. Professor, Department of Political Thought, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (f.shariat@isu.ac.ir)

3. Associate Professor, Department of Political Thought, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (tabatabai@isu.ac.ir)

4. Assistant Professor, Department of Governance and Policy-Making, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (shafiei@isu.ac.ir)



تبیین پارادایم پژوهشی «حیات طیبه» با تأکید بر آرای علامه طباطبایی

ابراهیم کیمیایی دوین^۱، فرشاد شریعت^۲، سید محمدرضا احمدی طباطبایی^۳، امید شفیع قهفرخی^۴

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

حیات طیبه احیا حیات حقیقی، جدید، بالا و والاتر از حیات عمومی است که آثار تکوینی به همراه دارد. این مفهوم قرآنی می‌تواند بر انگاره‌های پیشرفت، بهروزی و خوشبختی دلالت کند. این انگاره‌ها در دنیای مدرن امروز، سامان‌بخش ساحت‌های متنوع فعالیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی هستند. به‌کارگیری گسترده حیات طیبه با دلالت‌های مختلف، موجب آشفتگی مفهومی و سرگردانی پژوهشگران در کاربرست اصولی آن می‌شود. پارادایم پژوهشی به‌مثابه یک رویکرد با ایجاد بستری برای درک ماهیت دانش و روش‌های تولید آن به محققان کمک می‌کند تا مفروضات و باورهای اساسی که به پژوهش آن‌ها شکل می‌دهد را شناسایی کنند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش تبیین چستی پارادایم پژوهشی حیات طیبه مبتنی بر آرای علامه طباطبایی از طریق روش تفسیر متن‌محور و جمع‌آوری داده اسنادی است. پارادایم پژوهشی حیات طیبه با توجه به چهار عنصر هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مبتنی بر آرای علامه طباطبایی پی‌ریزی شد و نمایان‌گشت که حیات طیبه در ساحت هستی‌شناسی از طریق سیر تدریجی در عوالم سه‌گانه (از ماده تا مثال و عقل) در قوس صعود محقق می‌شود. از منظر ارزش‌شناسی، ارزش‌نهایی این حیات در تحقق مقام خلیفه الهی نهفته است که با ایمان و عمل صالح و با درنظرگیری اصل تاروپودگی در حوزه روش‌شناسی به دست می‌آید. از نگاه معرفت‌شناسی نیز، درک و تحصیل این حیات مشروط به سیر وجودی نفس و اعتباریات عملی است.

کلیدواژه‌ها

پارادایم پژوهشی، حیات طیبه، علامه طباطبایی، قرآن کریم

۱. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (kimiyaee@isu.ac.ir)

۲. استاد گروه اندیشه سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (f.shariat@isu.ac.ir)

۳. دانشیار گروه اندیشه سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (tabatabai@isu.ac.ir)

۴. استادیار گروه سیاست‌گذاری و حکمرانی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (shafiei@isu.ac.ir)

۱. مقدمه

درک و تبیین مفهوم قرآنی حیات طیبه همواره موضوع کوشش‌های تفسیری و فلسفی پژوهشگران مسلمان بوده است و پژوهشگران این حوزه با رویکردهای متفاوتی به سراغ این مفهوم رفته‌اند و دامنه کاربردی آن نیز به مجالات مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی کشیده شده است. همچنین مفاهیم همجواری مانند پیشرفت، رفاه، توسعه، الگوی سعادت و فضیلت‌مندی بر آن حمل شده است. از سوی دیگر، نمی‌توان گفت این مصادیق و مفاهیم همگی از واقعیت حیات طیبه به دورند؛ بلکه حیات طیبه با بسیاری از این مصادیق همپوشانی معنایی دارد و در تمام رویکردهای فردی و اجتماعی مورد استفاده پژوهشگران دلالت‌هایی نیز دارد. مسئله اینجاست که هنوز حدود و ثغور مفهومی و نظری حیات طیبه با سایر مفاهیم روشن و مشخص نشده است. سؤال اصلی این پژوهش چیهستی پارادایم پژوهشی مفهوم حیات طیبه از منظر علامه طباطبایی است. از این رو، این پژوهش بر آن است تا در قالب رویکردی پارادایمی، مفهوم حیات طیبه را مورد توجه مجدد قرار دهد. «پارادایم پژوهش»^۱ به آن چارچوب فلسفی و نظری‌ای اشاره دارد که یک مطالعه پژوهشی مشخص را هدایت می‌کند و شامل مجموعه‌ای از باورها، مفروضات و ارزش‌هایی می‌شود که بر طرز تفکر و رویکرد پژوهشگران در قبال پرسش‌ها، روش‌ها و تجزیه و تحلیل داده پژوهش اثر مستقیم می‌گذارد (Creswell 2014). هر پارادایم پژوهشی یک زاویه دید منحصربه‌فرد ارائه می‌دهد که از طریق آن محققان می‌توانند پدیده‌های اجتماعی را بررسی کنند. پارادایم پژوهشی حیات طیبه بر طراحی، انجام و تطبیق یافته‌های این حوزه تأثیر می‌گذارد و تصمیم‌گیری درباره روش‌ها و فنون جمع‌آوری و تحلیل داده را سهولت می‌بخشد. علاوه بر این، پارادایم‌های پژوهشی راهی برای پیوند یافته‌های پژوهشی با زمینه‌های سیاسی-اجتماعی گسترده‌تر را فراهم می‌کنند و می‌توانند به پژوهشگران کمک کنند تا افق تأثیر پژوهش خود را وسیع‌تر در نظر بگیرند که این به نوبه خود باعث افزایش ضریب اعتبار و کارایی تحقیق در زمینه موردنظر خواهد شد. همچنین توضیح پارادایم پژوهشی در زمینه مطالعات اسلامی-ایرانی، برای ترویج نظریات بومی دارای اهمیت نظری است. عدم استفاده از رویکرد پارادایمی در مطالعات حیات طیبه می‌تواند منجر به محدودیت بستری دامنه پژوهش و یافته‌ها و اعمال سوگیری‌های روش‌شناختی شود و پایایی و روایی این پژوهش‌ها را مختل کند.

۱-۱. روش پژوهش

نوع این تحقیق بنیادی و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز اسنادی است. روش انجام پژوهش تفسیر متن‌محور است؛ این روش ذیل روش‌های هرمنوتیکی تعریف می‌شود. از مهم‌ترین اصول این روش می‌توان به امکان فهم عینی و ثابت و فراتاریخی متن، امکان دستیابی به مراد مؤلف و استقلال معنای متن از مفسر، تفکیک معنای متن از افق معنایی و شرایط و اوضاع مفسر (احمدی ۱۳۷۵، ۱۶۸) و محوریت «قصد مؤلف» در تفسیر (سبحانی ۱۳۸۵، ۱۳-۱۵) اشاره کرد. در این مقاله گام‌های اجرایی بدین صورت خواهد بود:

الف. «محک‌ها» و «نصوص» اندیشه علامه طباطبایی در موضوع استخراج می‌شود. برای این منظور به تصریح کلام یا متون مستند و معتبر ایشان مراجعه خواهد شد.

ب. واژه حیات طیبه در نصوص اندیشه علامه طباطبایی یادداشت‌برداری می‌شوند.

پ. مبتنی بر مبانی مستخرج از قرآن کریم و متناسب با ظهورات کلام ایشان، مبانی پارادایمی حیات طیبه به دست می‌آید. همچنین متناسب با برخی از موضوعات، از فن تحلیل مبتنی بر نرم افزار «اطلس‌تی»^۲ نیز استفاده خواهد

شد. این نرم افزار با رویکردی تخصصی برای سهولت در انجام تحلیل های کیفی، علامت گذاری، مقوله بندی و استخراج مضامین متون، مصاحبه ها و مشاهدات کاربرد دارد. همچنین بر اساس این نرم افزار، ساخت شبکه های مفهومی و خروج/صدور داده تحلیلی امکان پذیر است (اکبری و غفوریان ۱۳۹۴، ۷۲-۷۴).

۲-۱. پیشینه تحقیق

مقالات و پژوهش های بسیاری با موضوع حیات طیب به رشته تحریر درآمده است که این خود مؤیدی بر اهمیت این مفهوم نزد پژوهشگران است. با توجه به جدول شماره ۱، این پژوهش ها غالباً به دلیل تفاوت های تخصصی (حصر در مکتب فکری ای به غیر از علامه طباطبائی) و تخصصی (داشتن رویکردی غیرپارادایمی)، از پژوهش حاضر متمایز می شوند. بدین جهت این پژوهش در هدف و روش، متمایز و نوآورانه است.

جدول شماره ۱. عناوین پژوهش ها، پژوهشگران و وجه تمایز آن ها با پژوهش حاضر

عدد	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال انتشار	وجه تمایز با پژوهش حاضر
۱	تحلیل مؤلفه های «حیات طیب» در اندیشه سیاسی نوصدرائیان (با تأکید بر آراء شهید مرتضی مطهری)	درخشه و تبشیری (۱۳۹۹)	این مقاله به دنبال چستی مؤلفه های حیات طیب در اندیشه نوصدرائیان از جمله علامه طباطبائی است که از منظر داشتن رویکردی سیاسی و نه پارادایمی با مقاله حاضر متفاوت است.
۲	مدل نظری حیات طیب به مثابه آرمان انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای (بر اساس روش تئوری داده بنیاد)	نادری (۱۳۹۵)	این مقاله به دنبال طراحی مدل نظری حیات طیب در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای است که از منظر داشتن رویکردی سیاسی و متمرکز بودن بر اندیشه آیت الله خامنه ای با پژوهش حاضر متفاوت است.
۳	تبیین نابرخورداری های معنوی (برگرفته از آموزه های تربیت عرفانی اسلامی) در تربیت و مواجهه با نیاز متری از دیدگاه مولانا در راستای تحقق حیات طیب	حاجی آقا، فرمیهی و فروزش (۱۳۹۸)	این مقاله به دنبال توصیف و تحلیل نابرخورداری های معنوی و احصای انواع مواجهه با نیاز است که از منظر داشتن رویکردی تربیتی و محصور بودن در اندیشه مولانا با پژوهش حاضر متفاوت است.
۴	واکاوی چستی و جایگاه حیات طیب در اندیشه ملاصدرا	واسعی، فولادی و بناکار (۱۳۹۹)	این مقاله به دنبال واکاوی جایگاه و الزامات تحقق حیات طیب در اندیشه ملاصدرا است که از منظر نداشتن رویکردی پارادایمی به موضوع با پژوهش حاضر متفاوت است.

عدد	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال انتشار	وجه تمایز با پژوهش حاضر
۵	حیات طیبه و شاخص‌های آن در شبکه مفهومی توسعه سیاسی در قرآن	باقری دولت آبادی و باقری (۱۳۹۴)	این مقاله به دنبال چستی مختصات توسعه سیاسی به مثابه دال مرکزی حیات طیبه قرآنی است و توسعه سیاسی در قرآن را در ترابط و تعامل با رشد و کمال انسان می‌داند و از این منظر که رویکردی پارادایمی به حیات طیبه ندارد، با پژوهش حاضر متفاوت است.
۶	امت واحده، تفکر سیستمی الهی برای تحقق حیات طیبه	کرمانی و نباتی (۱۳۹۶)	این مقاله به دنبال بررسی ماهیت ساختار امت واحده، شامل اهداف و ویژگی‌ها مبتنی بر رویکردی غایت‌شناسانه است که در موضوع و نتایج با پژوهش حاضر متفاوت است.
۷	سبک زندگی ایده‌آل در دستیابی به حیات طیبه با تأمل بر آموزه‌های اسلامی	منافی، زمانی و مهدوی‌خواه (۱۳۹۴)	این مقاله به دنبال توصیف سبک زندگی ایدئال برای دستیابی به حیات طیبه با رویکرد اسلامی است که از منظر نداشتن رویکردی پارادایمی و عدم تطابق موضوعی، با پژوهش حاضر متفاوت است.
۸	حیات معقول به مثابه پیشرفت	یوسف‌زاده (۱۳۹۸)	این مقاله به دنبال چستی حیات معقول است که از منظر محصوربودن در اندیشه علامه محمدتقی جعفری و نداشتن رویکردی پارادایمی، با پژوهش حاضر متفاوت است.
۹	مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی حیات طیبه از منظر قرآن	حاجی صادقی و بخشیان (۱۳۹۳)	این مقاله به دنبال مفهوم حیات طیبه و حقیقت آن از منظر قرآن است و از این جهت که رویکردی پارادایمی ندارد، با پژوهش حاضر متفاوت است.
۱۰	نگاهی به مفهوم و مؤلفه‌های حیات طیبه از نگاه قرآن کریم و امیر مؤمنان علیه‌السلام	مکتب‌دار (۱۳۹۵)	این مقاله به دنبال دستیابی به عوامل مؤثر و مؤلفه‌های حیات طیبه است و از این منظر که منحصر به اندیشه امیر مؤمنان علیه‌السلام است و رویکردی پارادایمی ندارد، با پژوهش حاضر متفاوت است.

عدد	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال انتشار	وجه تمایز با پژوهش حاضر
۱۱	واکاوی حقیقت حیات طیبیه، مراحل و عوامل وصول به آن از دیدگاه علامه طباطبائی رحمه الله	زندیه و رضایی (۱۳۹۶)	این مقاله به دنبال واکاوی معنا و حقیقت حیات طیبیه و عوامل وصول به آن از دیدگاه علامه طباطبائی است و از منظر موضوع با این مقاله همپوشانی دارد ولی از آن رو که رویکرد پارادایمی ندارد، با پژوهش حاضر متفاوت است.
۱۲	پیش به سوی حیات طیبیه	محمدقلی (۱۴۰۰)	این کتاب به دنبال مؤلفه های جامعه سازی اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای، هم راستای با بیانیه گام دوم انقلاب است که در موضوع و هدف با پژوهش حاضر متفاوت است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. حیات طیبیه

در لغت می توان حیات طیبیه را معادل با واژگان «زندگیِ حلال»، «زندگیِ نیکو»، «زندگیِ خوب» و «زندگیِ روا» در نظر گرفت. از منظر اصطلاحی، علامه طباطبائی ذیل آیه ۹۷ سوره نحل^۳ چنین بیان می کند:

حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه ای بالا و والا از حیات عمومی و دارای آثاری مهم می باشد و در جمله «فَلْنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» حیات، به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است، پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد، زیرا اگر مقصود این بود کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می کنیم» ولی این طور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می سازیم» (طباطبائی ۱۴۱۷ ق، ۱۲: ۴۹۱).

در تفسیر حیات طیبیه از منظر علامه طباطبائی نکات زیر مشهود است (طباطبائی ۱۴۱۷ ق، ۱۲: ۴۹۱):

الف. مرد و زن در رسیدن به حیات طیبیه برابرند؛

ب. حیات طیبیه مختص مؤمنان است و نه حتی کافران نیکوکار؛

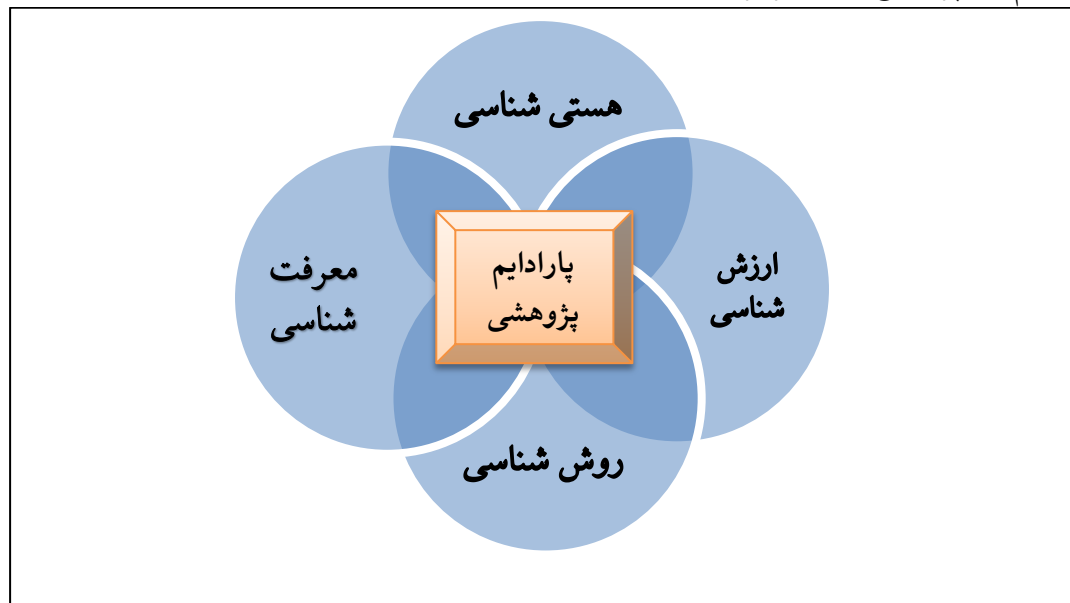
پ. این حیات، حیاتی حقیقی و بالاتر و والاتر از حیات عمومی است که با حیات عمومی یگانه است؛

ت. این حیات دارای آثار واقعی و حقیقی در دنیا و آخرت است، از جمله چشم بصیرت (قدرت تشخیص حق و باقی از باطل و فانی)، بیزاری از دنیا و زندگی مادی و مقابله با شیطان و نفس اماره (طباطبائی ۱۴۱۷ ق، ۱۲: ۴۹۱-۴۹۲).

۲-۲. رویکرد پارادایم پژوهشی

پژوهش‌ها ناظر به پاسخ‌دادن به سؤالات با «رویکردهای»^۴ متفاوت هستند. هر رویکرد بر مفروضات، روش‌ها و رویه‌های متمایزی استوار شده است (Creswell 2013). «پارادایم»^۵ نیز مجموعه‌ای از نظریه‌ها، انگاره‌ها و مفروضاتی را تشکیل می‌دهد که به جهان‌بینی و رویکرد فرد در تعامل با افراد یا چیزهای دیگر کمک می‌کند؛ این دریچه‌ای است که محقق از طریق آن به جهان می‌نگرد و مؤلفه‌های روش‌شناختی تحقیق خود را بررسی می‌کند تا در مورد فرایندهای جمع‌آوری و تحلیل داده تصمیم‌گیری کند (Kivunja 2017). مهم‌ترین پارادایم‌های رایج در علوم اجتماعی پوزیتیویسم، تفسیرگرایی و نظریه انتقادی هستند که هر یک دیدگاه‌های متفاوتی درباره ماهیت واقعیت و روش‌های پژوهش را ارائه می‌دهند.

پارادایم پژوهشی به مثابه یک رویکرد^۶ شیوه‌های تفکر درباره ماهیت و چگونگی فهم یک حوزه مشخص از دانش را صورت می‌بخشد (Guba EG 1994) و در طراحی و عملیاتی‌کردن تحقیقات یاری می‌رساند (Wahyuni 2012). هر پارادایم پژوهشی از چهار عنصر فلسفی تشکیل می‌شود: هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی (Creswell 2014). پژوهشگران قبل از طراحی هر تحقیقی، باید عناصر چهارگانه (شکل شماره ۱) پارادایم‌های پژوهشی را مد نظر قرار دهند.



شکل شماره ۱. عناصر پارادایم پژوهشی

۲-۲-۱. هستی‌شناسی

هستی‌شناسی^۷ درباره ذات و ساختار وجود بحث می‌کند و از این سؤال می‌کند که چه چیز وجود دارد. هستی‌شناسی سؤال از چیستی‌هاست^۸ (Barnhart 1998, 728). هستی‌شناسی چگونگی مشاهده دقیق واقعیت به عنوان یک موجود تعریف می‌شود. هستی‌شناسی مطالعه وجود است و چگونگی درک پژوهشگر از واقعیت و ماهیت مشارکت^۹ انسان در جهان را توصیف می‌کند (Scotland 2012). هستی‌شناسی بر مفروضاتی دلالت می‌کند که پژوهشگران

برای پذیرش چیزی به عنوان حقیقت، بدان نیاز دارند. این مفروضات با جهت‌دهی به تفکر پژوهشگر در موضوع و رویکرد پژوهش برای پاسخ به سؤال، کمک می‌کنند (Creswell, Hanson WE, Clark Plano, Morales) (2007).

۲-۲-۲. ارزش‌شناسی

ارزش‌شناسی^{۱۰} همان مطالعه ارزش‌هاست (Blackburn 2008, 31) و به سؤال از چرایی^{۱۱} یک چیز پاسخ می‌دهد. ارزش‌شناسی به درک محقق از ارزش‌ها و نقش آن‌ها در تحقیق اشاره دارد و به مسائل درست و نادرست می‌پردازد. در ارزش‌شناسی، سطح پیشرفت و انواع سوگیری‌های ادراکی سنجش می‌شود (Guba EG 1994). این دانش نقش و اهمیت فرایند تحقیق را تبیین می‌کند و محققان را در رسیدن به پاسخ هدایت می‌کند (Creswell) (2013).

۲-۲-۳. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی^{۱۲} مطالعه یا نظریه دانش^{۱۳} است که از ریشه واژه یونانی epistémé به معنای دانش شکل گرفته است (Barnhart 1998, 337). موضوع معرفت‌شناسی امکان و قلمرو معرفت و موارد مشابه است (خسروپناه و پناهی‌آزاد ۱۳۸۸، ۱۰-۱۵). معرفت‌شناسی روش‌های کسب، درک و استفاده از دانش در مورد واقعیت را توصیف می‌کند و رابطه بین پرسشگر و معلوم را برجسته می‌کند (Babbie 2020). اهمیت این شاخه از فلسفه در پژوهش این است که به افزایش سطح اعتماد محقق به داده‌های خود کمک می‌کند (Kivunja 2017).

۲-۲-۴. روش‌شناسی

روش‌شناسی^{۱۴} راهبرد یا برنامه‌ای عملی است که در انتخاب و استفاده از روش‌های خاص، در چارچوب یک الگوی پژوهشی مشخص به پژوهشگر کمک می‌کند (Wahyuni 2012). اصطلاح روش‌شناسی به طراحی پژوهش، روش‌ها و رویه‌هایی اشاره دارد که در یک تحقیق برنامه‌ریزی‌شده برای یافتن پاسخ‌ها استفاده می‌شوند. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده، ابزارهای نظرسنجی و غیره از مباحث روش‌شناسی است.

۳. الگوی تحلیل پارادایم پژوهشی حیات طیبه

مستند به آنچه در بخش مبانی نظری و روش انجام پژوهش گذشت، الگوی تحلیل پارادایم پژوهشی حیات طیبه در چهار ساحت هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مبتنی بر نظرات علامه طباطبایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. هستی‌شناسی حیات طیبه

برای شناخت مراتب حیات و جایگاه حیات طیبه در آن باید به قرآن کریم رجوع کرد. مستند به آیه ۲۱ سوره حجر که «هیچ چیزی [در عالم هستی] نیست، مگر آنکه گنجینه‌های آن تنها نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم»^{۱۵} هستی انسان در عوالم سه‌گانه موجودیت می‌یابد (خزینه) (طباطبایی ۱۳۸۷، ۱۹): عالم ماده (شیء)؛ عالم مثال (قدر)؛ و عالم عقل. حقیقت انسان در این عوالم منبسط است و دارای هر سه مرتبه است، زیرا که عالم ماده معلول و تجلی عالم مثال است و عالم مثال تجلی و عین الربط عالم عقل است (طباطبایی ۱۳۸۷، ۲۱۵-۲۱۶).

۳-۱-۱. حیات و روح

روح سبب حیات حیوانات و نباتات (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۳: ۲۷۵-۲۷۶) و منشأ حیات انسان است. سؤال اینجاست که حقیقت روح چیست. علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ۸۵ سوره اسراء،^{۱۶} به حقیقت روح می‌پردازد. موجوداتی که در خارج هستند دارای ساحتی زمانمند و مکانمند هستند و مبتنی بر اسباب و علل مادی خلق شده‌اند؛ که از آن تعبیر به «ساحت خلق» کرده‌اند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۳: ۱۷۲-۱۷۳) اما در همین موجودات می‌توان جهتی را مشاهده کرد که در آن امر و کلمه الهی جاری است، ساحتی که غیر زمانمند و مکانمند و عاری از تدریج است. روح برآمده از «امر» خدای متعال است و «امر الهی بدان معناست که وقتی ایجاد چیزی را بخواهد، کارش جز این نیست که به آن می‌گوید: باش؛ پس موجود می‌شود».^{۱۷} درنهایت، هر دو ساحت امر و خلق متعلق به خداست.^{۱۸} جسم در انسان متعلق به ساحت خلقی است و روح در ساحت امر الهی موجود می‌شود و در اتحاد با بدن قرار دارد؛ اما به سبب استقلال که دارد در صورت نفی ساحت خلقی، به حیات خود ادامه می‌دهد. به بیان علامه، ساحت خلق فرع بر ساحت امر است:

هر موجود زمانی از نظام تدریج، قائم و متفرع بر موجودات امریه آن عالم است و به عبارت دیگر، موجودات امری با موجودات نظام تدریج همراه و بدان‌ها محیطاند» (طباطبایی ۱۳۸۷، ۲۲).

طبق معارف قرآن کریم،^{۱۹} انسان در مراتب هستی و حیات خود نزول یافته است و دوباره طی مراتبی صعود خواهد کرد. علامه طباطبایی از نزول تعبیر به «بدء» و از صعود تعبیر به «عود» می‌کند و استدلال می‌کند که معلول به علت خود عود می‌کند.

این نزول در قوسی تدریجی محقق می‌گردد؛ زیرا که هبوط دفعی انسان غفلت از میثاق الهی را به همراه دارد، و تصویر بهشت با توجه به تعب و سختی دنیا که بر او محیط می‌شود، دور از ذهن می‌نماید. به دیگر سخن، ضرورت هبوط تدریجی در نفی کامل انقطاع از امر متعالی پدیدار می‌گردد و هبوط دفعی موجب بسندگی انسان به دورن ماندگاری حیات عمومی خواهد بود و صعود دوباره انسان به جایگاه اصلی و ابتدایی‌اش را مخدوش می‌کند. بر این اساس، مستند به آیه ۴ سوره یونس^{۲۰}، مراتب حیات در دو قسمت مورد نظر قرار می‌گیرند: مراتب حیات در قوس نزول (بدء)؛ و مراتب حیات در قوس صعود (عود).

۳-۱-۲. حیات و بدء

پس از آنکه از چیستی حیات از منظر قرآن و یافتن آن در حقیقت روح سخن گفتیم، نوبت به آن می‌رسد که با بررسی مراتب روح، مراتب حیات را فهم کنیم. در این بخش سرگذشت نزول روح را به مقتضای عالم ذر، بهشت برزخی، حیات عدوانی و حیات عمومی فهم خواهیم کرد؛ باید توجه داشت که قوس نزول در ساحت امر الهی رقم می‌خورد و نازمانمندی و نامکانمندی در آن مندرج است و این تقدم و تأخر رتبی، و نه زمانی و مکانی، است.

عالم ذر

روح پس از آنکه به امر و کلمه الهی موجود شد، در ادامه مراتب نزولی خود به «عالم ذر» وارد می‌شود و در آن عالم به عهد و میثاقی متعهد می‌شود. انسان‌ها مستند به ساحت امری خود، که عاری از هرگونه تعلق مادی است (طباطبایی ۱۳۷۴، ۸: ۴۱۶-۴۱۸) و با آگاهی از ذات محتاج خود، در عالم ذر در جواب «آیا من پروردگارتان نیستم؟»^{۲۱} پاسخ می‌دهند: «بله، گواهی می‌دهیم»^{۲۲} و به ربوبیت الهی شهادت می‌دهند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۸: ۴۰۱-۴۰۲). سپس

خداوند متعال، مقام خلافت الهی را به انسان واگذار می‌کند. خلافت به معنای آن است که «خلیفه نمایشگر مستخلف خود باشد و تمامی شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر او را حکایت کند، البته آن شئون و آثار و احکام و تدابیری که به‌خاطر تامین آن‌ها خلیفه و جانشین برای خود معین کرده» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱: ۱۷۷).

بهشت برزخی

آدم برای رسیدن به مستلزمات خلافت خویش باید فرایندی از نزول را طی کند، لذا ورود به این مرحله برای ورود به زمین ضرورت دارد (سلطانی ۱۳۹۹، ۹۵). پس از سجده ملائک بر آدم و سرباز زدن ابلیس از آن، خدا آدم و حوا را برای بهره‌گیری گسترده ساکن بهشت می‌کند.^{۲۳} در این مرتبه از حیات، انسان فعال مایشاء است (به‌جز در نزدیکی به میوه ممنوعه). انسان با وسوسه شیطان و خوردن میوه ممنوعه باید از بهشت خارج شود. آیا این بهشت همان بهشت موعود است یا جایی دیگر؟ از آن رو که شیطان نیز در این بهشت وارد شده است و همچنین به این دلیل که پس از خوردن از میوه ممنوعه، حضرت آدم و حوا از این بهشت اخراج می‌شوند، این بهشت بهشت برزخی است؛ زیرا زندگی در بهشت برین جاودان است و در آن وقفه و گسستی نیست (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱: ۲۱۲).

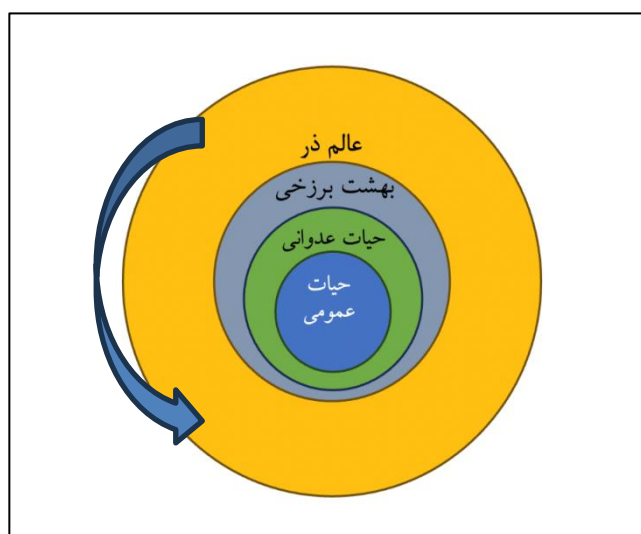
حیات عدوانی

مستند به آیه ۳۶ سوره بقره^{۲۴}، حضرت آدم به واسطه ظهور عورات و سوثاتش در هبوطی اولیه، در زمین استقرار یافت. بر روی زمین، وضع دشمنی برقرار است و تصویر قوس صعود غیرممکن می‌نماید.

حیات عمومی

در مرتبه بعدی قوس نزول، حضرت آدم مستند به آیات ۳۷ و ۳۸ سوره بقره با تمسک به کلمه یا همان اسماء الهی طلب بخشش و توبه کرد و خداوند متعال پس از پذیرش توبه، او را هبوطی دیگر بخشید:^{۲۵}

این هبوط برخلاف هبوط اولیه که متضمن تعب و عدوان دنیاست، با هدایت الهی قرین گشته است. این هبوط از جنس تنظیف منزل دنیوی و ورود به وضع تشریع است، و به واسطه این توبه نوع انسان واجد و شایسته دریافت هدایت الهی و به تبع آن طی طریق قوس صعود می‌گردد. (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱: ۲۰۴)



شکل شماره ۲. مراتب حیات انسانی در قوس نزول

۳-۱-۳. حیات و عود

همان‌طور که گذشت، حضرت آدم برای رسیدن به مقتضای خلافت الهی خود، نزول و هبوطش ضرورت داشت. در قوس صعود انسان (عود)، آیه «همانا از آن خداییم و قطعاً تنها به‌سوی او بازمی‌گردیم»^{۲۶} متجلی است. همچنین در آیه ۶ سوره انشقاق درباره تلاش انسان برای لقای خدا،^{۲۷} مراد خداوند متعال آن است که انسان سعی در جوارِ پروردگار است و همیشه رو به سوی او دارد. به بیان علامه:

کدح یعنی سعی به‌جانب چیزی. و انسان سعی به‌جانب ربّ است؛ زیرا که همواره از ابتدای خلقتش به‌سوی او در حرکت بوده و به همین جهت، در بسیاری از آیات از اقامت او در دنیا به «لبث» و یا «مکث» تعبیر گردیده است. (طباطبائی ۱۳۸۷، ۷۳)

حیات عمومی

مستند به آیات ۴ و ۵ سوره تین،^{۲۸} حیات عمومی در پایین‌ترین نقطه قوس نزول (اسفل السافلین) و اولین مرتبه قوس صعود جای گرفته است، زیرا که مقتضای عملیاتی‌شدن میثاق الهی و محتوای آن (خلافت الهی) از زمین می‌آغازد و در اینجا است که تمیز سعادت و شقاوت متعین می‌گردد. این حیات دنیوی که از آن تعبیر به دنیا نیز می‌شود، خواصی دارد: لهُو و لعب، زینتی و برای آزمایش مردم در نیکوکاری است.^{۲۹} این خواص لهُو و لعب و زینت از امور وهمی و مقاصد خیالیه‌اند، زیرا وقتی انسان آن‌ها را کمال خود می‌پندارد و سعی در تحصیل آنان می‌کند، یکسره از عالم غیرجسم منقطع می‌شود و وقتی به آن‌ها می‌رسد، واقعیتی نمی‌یابد (طباطبائی ۱۳۸۷، ۵۹-۶۱).

حیات طیبه

خداوند در آیه ۹۷ سوره نحل می‌فرماید: «هر کس از مرد و زن، در حالی که باایمان باشد اعمال شایسته‌ای انجام دهد، قطعاً [در دنیا] او را به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت و [در آخرت نیز] برابر [پاداش] بهترین آنچه عمل می‌کردند مزدشان خواهیم داد».^{۳۰} لذا حیات طیبه حیاتی حقیقی، جدید، بالاتر و والاتر از حیات عمومی است و از نظر مرتبه‌ای (نه عددی) با آن اختلاف دارد. این مرتبه از حیات متوقف بر ایمان و عمل صالح است.

برزخ

برزخ همان صورت مثالی وجود در مراتب حیات است که خود علتِ عالم ماده و معلولِ عالم عقلی است. ذات انسان همراه با عوارض لازم و غیرلازمی خلق می‌شود و سپس در طول حیات دنیوی خود عوارض دیگری را به خود لاحق می‌کند و آن هنگام که ذات از حیث عوارض لاحق تمام و کمال گشت، با پر شدن دایره وجودی‌اش با حقیقت مرگ مواجه می‌گردد (طباطبائی ۱۳۸۷، ۵۲). لذا شرط ورود به عالم مثال «موت» است. ازاین‌رو در ابتدا مسئله مرگ سپس مرتبه برزخ مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

الف. موت

خداوند متعال همه موجودات بین زمین و آسمان‌ها را با حق و اجل مسمی آفریده است.^{۳۱} برای اجل دو معنا به کار رفته است (طباطبائی ۱۳۸۷، ۶۸): طول حیات یک شیء؛ و خاتمه حیات یک شیء. اما «اجل مسمی» با توجه به آیه ۵ سوره عنکبوت،^{۳۲} متعلق به ساحت امر الهی است و چون در ساحت امر، حجاب خلقی و مادی وجود ندارد، اجل مسمی ظرف لقاءالله است (طباطبائی ۱۳۸۷، ۲۶۳-۲۶۴) و انسان در ادامه قوس صعود به‌منظور بازگشت به مرتبه اصلی خود وارد مرتبه بعد می‌شود. بر اساس آیه ۴۲ سوره زمر^{۳۳}، آنچه با مرگ به مرتبه بعدی وارد می‌شود روح است

و جسم فنا می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۷: ۴۰۷).

قبل از آخرت و روز برانگیخته‌شدن، انسان مرتبه‌ای از حیات را تجربه می‌کند که واسطه عالم ماده و عالم عقل است؛^{۳۴} این عالم، ماهیتی همانند عالم ماده ندارد اما از برخی لوازم ماده مثل مقدار، شکل و عرض فعلی بهره‌مند است (طباطبایی ۱۳۸۷، ۸۴). در عالم برزخ، برخلاف عالم عقل، گذر شبانه‌روز برقرار است.^{۳۵}

آخرت

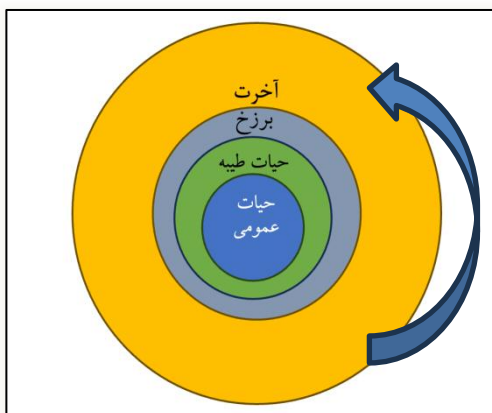
آخرت همان علتِ علتِ عالم ماده است که از آن تعبیر به عالم عقل و روح نیز می‌شود (طباطبایی ۱۳۸۷، ۲۰). برای بررسی عالم عقل، باید در مفاهیم «نفخ صور» و «حساب» مذاقه شود.

الف. نفخ صور

آیه ۶۸ سوره زمر^{۳۶} دلالت بر دو نفخه دارد: نفخه میراندن؛ نفخه زنده‌کردن. از آنجایی که لفظ «صعق» که برای میراندن استفاده شده با لفظ «موت»، به معنای خروج روح از بدن، متفاوت است و با توجه به اینکه صعق بر هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است وضع شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که در نفخ اولیه به همراه میراندن آنچه در زمین است، حیات عمومی انسان‌ها و به همراه نیستی آنچه در آسمان است، حیات برزخی انسان‌ها نیست می‌شود و با برانگیخته‌شدن دوباره انسان‌ها (نفخه ثانویه) قیامت برپا می‌شود (طباطبایی ۱۳۸۷، ۹۷-۱۰۱). درواقع با نفخ صور است که وارد عالم عقل می‌شویم. در آخرت به واسطه آنکه دنیای ماده و مثال از میان می‌رود، مراتب و مقدارها نیز زائل می‌گردد و حکم باطن ظاهر شده، مشخص می‌شود که حقیقتاً آخرت بر دنیا و برزخ محیط است (طباطبایی ۱۳۸۷، ۱۱۲-۱۱۵).

ب. حساب

سؤال آخرتی از انسان^{۳۷} از توابع حساب و به معنای پرسش از حقیقت امر است و خود حساب نیز به معنای ترتب نتایج (معلول) بر مقدمات واقعی (علت) است (طباطبایی ۱۳۸۷، ۱۵۸-۱۶۱). بر این اساس، چیستی و چرایی سؤال و حساب آخرت ریشه در مقدمات و علت خلقت دارد. انسان در عالم ذر با اَشهاد به ربوبیت الهی، خلیفه خدا شد و در آخرت بدان‌چه که در عالم ذر به آن شهادت داد و میثاق بست، مؤاخذه می‌شود.



شکل شماره ۳. مراتب حیات انسانی در قوس صعود

۲-۳. ارزش‌شناسی حیات طیبه

برای بررسی ارزش و فرجام حیات طیبه باید به قوسِ بدء و قوسِ عود خلقت در آئینه قرآن کریم رجوع شود و دریافته شود که در نهایت چه چیزی مقصد انسان است و برای او ارزش دارد.

۱-۲-۳. قوسِ بدء

همان‌طور که گذشت، انسان در بهشت برزخی فعال مایشاء بوده و منع از درخت ممنوعه تنها فقدان وی بوده است. شیطان با وسوسه انسان، این فقدان و منع را به خواست نهایی انسان گره می‌زند؛ درواقع، انگیزه سرپیچی انسان در بهشت برزخی، خواست نهایی انسان در مقام مایشاء است. اما این خواست که خود را در وسوسه شیطان بازنمایی می‌کند چه بوده است؟

با توجه به آیات قرآن کریم،^{۳۸} شیطان انسان را به سه چیز وسوسه می‌کند: فرشته بودن؛ جاودانگی؛ و سلطنت بی‌زوال. اما جمع این سه چیز برای دریافت خواست نهایی انسان به چه صورت است؟ نخست اینکه محدود و فرسوده نشدن سلطنت فرد مستلزم زندگی جاویدان اوست. دوم اینکه در جمع بین مقام فرشتگی و سلطنت بی‌زوال می‌توان این‌گونه گفت که به سبب غفلت از میثاق الهی، انسان با دیدن تدبیر امور بهشت برزخی به وسیله فرشتگان، این شائبه برایش پیش آمده است که فرشتگان حاکمانی مستقل و دارای سلطنتی بی‌زوال هستند (سلطانی ۱۳۹۹، ۹۶). از این رو انسان به مقتضای مقام فرشتگان، که همان سلطنت بی‌زوال است، فریفته می‌شود.

۲-۲-۳. قوسِ عود

در آیه ۹ سوره تغابن به جاودانگی برآمده از ایمان و عمل صالح اشاره شده است؛^{۳۹} ایمان و عمل صالحی که خود موجب حیات طیبه هستند. برای ارزش‌شناسی حیات طیبه باید به تمامی آیاتی که در آن‌ها ایمان و عمل صالح اشاره شده است مراجعه شود و با تدبیر در این آیات حیات طیبه فهم شود. برای این منظور، پس از تجمیع آیات مربوط به ایمان و عمل صالح (جدول شماره ۲)، دلالت‌های این آیات استخراج شد.

جدول شماره ۲. آیات مربوط به ایمان و عمل صالح

عدد	سوره/آیه	متن آیه	کدگذاری اولیه
۱	مریم/۹۶	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا	محبت پروردگار
۲	طه/۱۱۲	وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا	عدم ترس از ظلم و زبونی
۳	یونس/۹	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ	جنات نعیم
۴	فصلت/۸	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ	اجر قطع نشدنی
۵	بینه/۷	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ	بهترین خلق
۶	سبا/۳۷	وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَوْلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ	جزائی دوبرابر اعمال

۷	اسراء/۹	إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْسَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا	بشارت به اجرى بزرگ
۸	نحل/۹۷	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	احياء به حیات طيبه
۹	بقره/۶۲	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	اجرى نزد پرودگار عدم ترس
۱۰	مائده/۶۹	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	اجرى نزد پرودگار عدم ترس
۱۱	طه/۷۵	وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ	درجات العلى
۱۲	عصر/۲-۳	إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ	مستثنیات خسران
۱۳	بقره/۸۲	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	بهشت جاودان
۱۴	مائده/۹	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ	آمرزش و اجرى بزرگ
۱۵	جاثیه/۳۰	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ	دخول به رحمت خدا و رستگاری آشکار
۱۶	نور/۵۵	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ	جانشینی بر روی زمین راضی شدن از دین ایشان
۱۷	غافر/۴۰	مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ	دخول به بهشت و رزق بی حساب در آن
۱۸	عنکبوت/۹	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ	دخول به گروه صالحان
۱۹	انبیاء/۹۴	فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ	زائل نشدن سعی
۲۰	حج/۵۰	فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ	مغفرت و رزق کریم

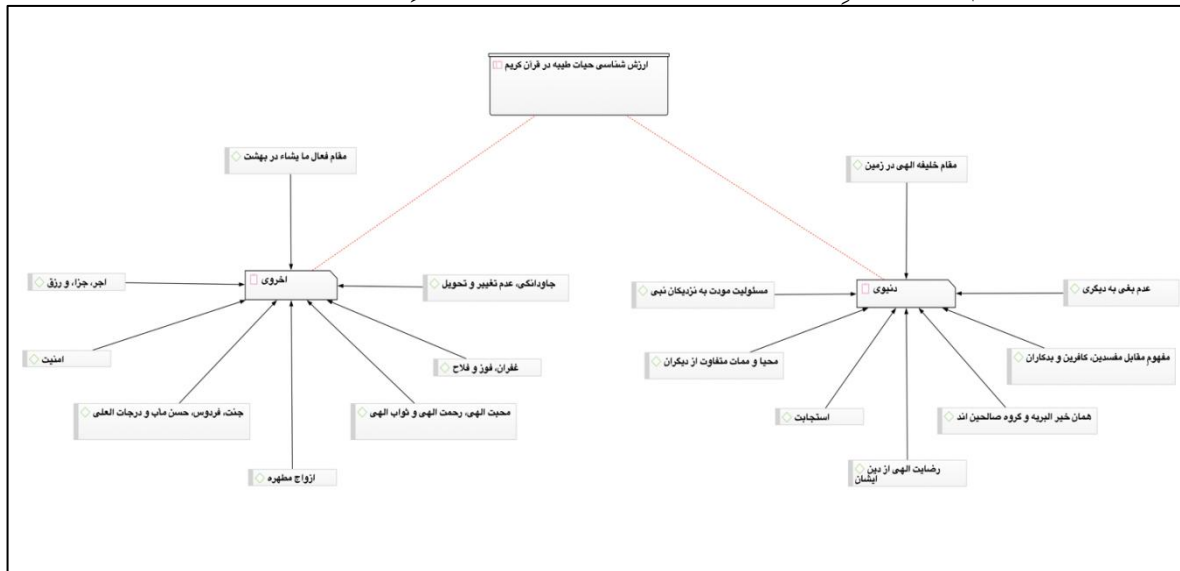
۲۱	تین/۶	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ	اجر قطع نشدنی
۲۲	انشقاق/۲۵	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ	اجر قطع نشدنی
۲۳	رعد/۲۹	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا ب	خوشی و سرانجام نیک
۲۴	ابراهیم/۲۳	وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	بهشت جاویدان
۲۵	جاثیه/۲۱	أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ	زندگی و مرگ متفاوت از بدکاران
۲۶	روم/۱۵	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ	باغ بهشتی خرم
۲۷	آل عمران/۵۷	وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ	دادن اجور به صورت کامل
۲۸	مائده/۹۳	لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	نبودن حرج از محرماتی که خورده اند
۲۹	نساء/۱۲۴	وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا	دخول به بهشت
۳۰	کهف/۱۰۷-۱۰۸	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا	بهشت فردوس بهشت جاویدان عدم تغییر و حول
۳۱	سبا/۴	لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ	مغفرت و رزق کریم
۳۲	عنکبوت/۷	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ	محو گناهان و جزای نیکو
۳۳	سجده/۱۹	أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	بهشت جاویدان
۳۴	کهف/۳۰	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا	از بین نبردن اجر
۳۵	حج/۵۶	الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بِبَيِّنَاتٍ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ	بهشت جاویدان جنات نعیم

۳۶	ص/۲۸	أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ	مقابل با مفسدین
۳۷	روم/۴۵	لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ	جزا دادن از فضل
۳۸	فاطر/۷	الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ	مغفرت و اجر کبیر
۳۹	بروج/۱۱	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ	جنات فوز کبیر
۴۰	غافر/۵۸	وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُشْكِرُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ	تفاوت با بدکاران
۴۱	شوری/۲۶	وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ	استجابات ایشان
۴۲	محمد/۲	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرُ عَنْهُمْ سُبَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ	محو گناهان اصلاح دلها
۴۳	نساء/۵۷	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظِلِيلًا	بهشت جاویدان (همسر مطهره و سایه گسترده)
۴۴	اعراف/۴۲	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	بهشت جاویدان
۴۵	کهف/۸۸	وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا	جزا الحسنی آسانی از جانب امر
۴۶	قصص/۸۰	وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ	برتری پاداش الهی
۴۷	هود/۲۳	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	بهشت جاویدان
۴۸	حج/۱۴	إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ	بهشت جنات
۴۹	عنکبوت/۵۸	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ	غرفه های بهشتی جاودان

۵۰	شوری/۲۲	تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ	بهشت فضل بزرگ (فعال ما یشاء)
۵۱	بقره/۲۷۷	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	اجری نزد پروردگار عدم ترس
۵۲	حج/۲۳	إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ	بهشت (جوی روان-لباس از حریر و دستبندی از طلا و مروارید)
۵۳	محمد/۱۲	إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ	بهشت (جوی روان)
۵۴	نساء/۱۲۲	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا	بهشت (جوی جاویدان)
۵۵	بقره/۲۵	وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	بهشت (جوی روان-همسر صالحه) جاویدان
۵۶	ص/۲۴	قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ	عدم بغی به دیگری
۵۷	شوری/۲۳	ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ	مخاطب قول نبی- مودت به نزدیکان نبی
۵۸	یونس/۴	إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيُجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْفُسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ	بدء و عود و جزا به وسیله قسط
۵۹	طه/۸۲	وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى	غفارت
۶۰	قصص/۶۷	فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ	امید به فلاح

۶۱	مریم/۶۰	إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا	بهشت بدون ستم
۶۲	فرقان/۷۰	إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	تبدیل بدی‌ها به نیکی‌ها
۶۳	طلاق/۱۱	رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَعَمِلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا	بهشت جاویدان (رود جاری) رزق احسن

مبتنی بر نتایج به‌دست‌آمده از نرم‌افزار اطلس‌تی (نمودار شماره ۱)، ارزش حیات طیبه در دو بعد دنیوی و اخروی قابل بحث است و در هر بعد، مقامی مشابه یافت می‌شود؛ یعنی مقام خلیفه الهی در زمین و مقام فعال ما یشاء در بهشت. این دو مقام در واقع دو روی یک سکه هستند که به واسطه اصل تدریج و سلسله‌مراتب عوالم، هریک به نحوی، در امتداد یکدیگر و متناسب با مقتضیات عالم ماده، مثال و عقل تجلی یافته‌اند. لذا ارزش حیات طیبه بر اساس آیات قرآن کریم در چه قوسِ عود و چه در قوسِ بدء، در همین حقیقتِ خلیفه‌الهی نهفته است.



شکل شماره ۴. ارزش شناسی حیات طیبه در قرآن کریم (مبتنی بر نرم‌افزار اطلس‌تی)

۳-۳. معرفت شناسی حیات طیبه

معرفت‌شناسی حیات طیبه بر هستی‌شناسی آن منطبق است و سامان و ماهیت عوالم سه‌گانه در قوسِ بدء و عود در آن کلیدی است.

۳-۳-۱. امکان حیات طیبه

فلسفه بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی در جهت سعادت دنیوی و اخروی نوع بشر بوده است و آیه ۹۷ سوره نحل به صراحت نیل به حیات طیبه را ممکن دانسته است. از طرفی امکان حیات طیبه متوقف بر امکان وجود در مراتب هستی است؛ زیرا که حیات هر حی، نحوه وجود اوست و نحوه وجود، عامل و معین کننده آثار حیاتی است (طباطبائی ۱۳۹۰، ۳: ۶۹-۶۳). همان طور که گذشت هریک از عوالم، معلول عالم بالاتر خود و علت عالم پایین تر از خود بودند و میان آن‌ها نسبت علت و معلول یا ظاهر و باطن برقرار است. و از آن سو که ظاهر عالم برای ما مشهود است و مشاهده ظاهر خالی از مشاهده باطن نیست - زیرا ظاهر از اطوار وجود باطن و عین ربط آن است - پس در زمان مشاهده ظاهر، باطن نیز بر ما پدیدار می گردد. به دیگر سخن ظاهر، حد و تعین باطن است و با گذشتن از این حد می توان به باطن دست یافت (طباطبائی ۱۳۸۷، ۵۲-۴۹). بدین ترتیب، با سیر نفس انسان در عوالم سه-گانه قوس عود، حیات طیبه امری اکتسابی و قابل تحصیل است که مختص و منحصر در کسی نیست.

۳-۳-۲. ادراک حیات طیبه

معرفت، ادراک یا علم به چیزی، مفهومی منتزع از وجود و از سنخ آن است. انسان در هر مرتبه از مراتب هستی قرار بگیرد، ادراکات وی نیز به همان تناسب خواهد بود. به دیگر سخن، شدت و ضعف مرتبه وجودی انسان مسبب شدت و ضعف ادراک وی است (خسروپناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۹۹-۱۰۰). حیات طیبه از طریق ادراکات اعتباری فهم می شود. «اعتباریات یعنی مفاهیمی که در خارج مصداق واقعی ندارند لکن عقل برای آنها مصداق اعتبار می کند؛ یعنی چیزی را که مصداق واقعی این مفاهیم نیست مصداق فرض می کند» (طباطبائی ۱۳۹۰، ۱: ۳۸). ادراکات اعتباری به دو دسته بالمعنی الاعم و بالمعنی الاخص تقسیم می شود: اعتباریات بالمعنی الاعم همان انتزاعیات یا معقولات ثانویه هستند (طباطبائی ۱۳۹۰، ۲: ۲۰۰). اعتباریات بالمعنی الاخص معقولات اولیه هستند که در مقام توسط میان قوای فعاله (تمایلات درونی و احتیاجات زندگی) انسان و ارضا و کمال آن‌ها اعتبار «وجوب» فعل را وضع می کنند. آنچه از ادراکات اعتباری در این پژوهش مدنظر است، همان بالمعنی الاخص یا اعتبارات عملی است:

در امور اعتباری رابطه بین دو طرف قضیه همواره فرضی و قراردادی است و اعتبارکننده، این فرض و اعتبار را برای وصول به هدف و مصلحت و غایتی نموده و هرگونه که بهتر او را به هدف و مصلحت منظور وی برساند، اعتبار می کند. (طباطبائی ۱۳۹۰، ۲: ۱۷۴).

ادراکات اعتباری محصول ادراکات وهمی است؛ ادراکات حقیقی مصداق واقعی دارند ولی ادراکات وهمی مصداق خارجی ندارند (طباطبائی ۱۳۹۰، ۱: ۳۸) زیرا ادراکات اعتباری حد واسطه بین حقیقت طبیعت و حقیقت غایت هستند. ادراکات و مفاهیم ذهنی انسان نیز ذیل علوم حصولی تقسیم بندی می شود؛ ملاک تقسیم علم به حصولی و حضوری، تفاوت یا یگانگی وجود علم با معلوم است (خسروپناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۵۶). از آن رو که مبنا و مأخذ تمامی علوم حصولی، علوم حضوری هستند (طباطبائی ۱۳۹۰، ۲: ۴۷-۴۳)، اگر انسان در عالم ذر و بهشت برزخی قرار نمی گرفت، نمی توانست تصویری از توحید و ادراک حقایق داشته باشد؛ علم حضوری به ربوبیت پرودگار در عالم ذر، زمینه ادراک سعادت در عالم ماده و به تبع آن حیات طیبه را میسر کرده است.

۳-۳-۳. قلمروی معرفت شناسانه حیات طیبه

پرسش مطرح درباره قلمروی حیات طیبه این است که حیات طیبه، چه گستره ای از عوالم سه گانه را در بر گرفته است.

همان‌طور که (در شکل شماره ۳) گذشت، حیات طیبیه در همین دنیاست و بر سر کرانِ پایین آن اتفاق نظر وجود دارد اما بر سر کران بالا و گستره آن به عوالم دیگر اختلافاتی وجود دارد. آیت‌الله جوادی آملی، حیات طیبیه را نتیجه کمالات روح انسان می‌داند که بخشی از آثار آن در این دنیا و قسمت مهم آن در آخرت محقق می‌شود. به بیان وی:

حیات طیب است برای روح مؤمنین، نه برای سرزمین، نه برای بدن انسان. بدن تا در دنیاست در مکابده و رنج است، ولی حیات طیبیه نتیجه کمالات روح است. (البته) حیات طیبیه را خداوند در دنیا وعده داده است،... جزای آخرت... غیر از این حیات طیبیه است و این همان «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/۲۰۱) است... حسنه حیات دنیا همان حیات طیبیه است،... این‌ها اثر ایمان و عمل صالح است که... بخشی از آن در دنیا ظهور می‌کند و قسمت مهم آن در آخرت...» (جوادی آملی، بی‌تا، جلسه ۱۰۸).

در جمع آنچه بر سر کران بالای حیات طیبیه گذشت می‌توان چنین گفت که احیا به حیات طیبیه موجب ترتب آثاری بر نفس و روح انسانی است که، مستند به جسمانی‌الحدوث و روحانی‌البقا بودن نفس، پس از ورود به عالم مثال این آثار باقی می‌ماند و بخش دیگر آن در عالم عقل متجلی می‌شود.

۴-۳. روش‌شناسی حیات طیبیه

سؤال اصلی این بخش چگونگی تحقق حیات طیبیه یا فرایند و سازکار رسیدن به حیات طیبیه و شرایط و موانع آن است.

۴-۳-۱. ایمان و عمل صالح

مستند به خود آیه ۹۷ سوره نحل، ایمان و عمل صالح دو رکن اساسی برای احیا به حیات طیبیه هستند. ایمان در دنیا معادل باور قلبی به محتوای عالم ذر و میثاق الهی است؛ یعنی همان ربوبیت و وحدانیت باری تعالی. اما سؤال اینجاست که حقیقت عمل صالح چیست.

با توجه به جدول شماره ۲، ایمان و عمل صالح بیش از ۶۰ بار در کنار یکدیگر نازل شده‌اند و حدود ۹۰ بار هم در قرآن کریم آیات به صورت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» آمده‌اند که در آن مصادیق عمل صالح بیان شده‌است. تدبر در شبکه مفهومی عمل صالح به دلیل کثرت مصادیق و دلالت‌ها مطلوب نیست. علامه طباطبایی ذیل آیه ۳۵ سوره فاطر^۴ چنین بیان می‌کند که کلام طیب سخنی است که برای شنونده گوارا و سازگار طبعش باشد. به تعبیری دیگر کلام طیب بر معنایی افاده می‌کند که متضمن سعادت و رستگاری انسان باشد؛ این معنا همان اعتقاد به توحید و وحدانیت باری تعالی است و منظور از صعود این اعتقاد نیز تقرب به خدای تعالی است و از آن جایی که اعتقاد قائم به معتقد است، فرد معتقد نیز مقرب درگاه الهی می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۷: ۲۸-۳۰). بنابراین حقیقت عمل صالح چنین است:

این هم معلوم است که وقتی اعتقاد و ایمان، حق و صادق بود، قهراً عمل صاحبش هم آن را تصدیق می‌کند نه تکذیب، یعنی عملی که از او سر می‌زند مطابق با آن عقاید است. پس معلوم شد که عمل از فروع علم و آثار آن است، آثاری که هیچ‌گاه از آن جداشدنی نیست، و هرچه عمل مکرر شود، اعتقاد راسخ‌تر و روشن‌تر، و در تأثیرش قوی‌تر می‌گردد. پس عمل صالح عملی است که سزاوار هست مورد قبول خدا واقع شود، چون مهر ذلت عبودیت و اخلاص به آن خورده، و چنین عملی اعتقاد حق را در مؤثرگشتن، یعنی در صعود به سوی خدا کمک می‌کند. و منظور از «یرفعه» همین کمک است، پس عمل صالح کلم طیب را بلند می‌کند، و به عبارت دیگر در صعود آن کمک می‌کند. (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۷: ۳۰).

۳-۴-۲. اصل تاروپودگی حیات طیبه

ادراکات اعتباری تابع مقتضیات زندگی هستند که در آن تبدیل و تغییر راه دارد و متکامل می‌شوند؛ زیرا که ماهیت تمایلات درونی و احتیاجات انسانی چنین است. بر اساس اصل تطابق احتیاجات، همان‌طور که شئون جسمانی متناسب و مطابق با احتیاجات تغییر و تکون دارند، امور اعتباری نیز در تطابق با محیط دستخوش تغییر می‌شوند. به دیگر سخن، با مطالعه آداب، رسوم، سنن و عادات مردمان مختلف اعتبارهای فردی، اجتماعی و سیاسی متفاوتی یافت می‌شود که هریک از این اعتبارها نزد آن مردم مقبول و معقول می‌نماید. باید توجه داشت این تغییر و تکون در امور اعتباری راه دارد نه در ادراکات حقیقی که توضیح آن بالاتر گذشت. همچنین شایسته است در اینجا به این نکته اشاره کرد که اعتبارات عملی نیز خود به دو دسته عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود که دسته اول ثابت و غیرمتغیرند و دسته دوم متغیرند؛ مانند اعتبار ثابت اجتماع در دسته اول و اشکال گوناگون اجتماعات در دسته دوم (طباطبائی ۱۳۹۰، ۲: ۲۰۰). این تقسیم‌بندی مستند به تقسیم احساسات به عمومی و خصوصی است؛ احساسات عمومی لازمه نوعیت انسان هستند (مانند مطلق اراده و کراهت و مطلق حب و بغض)، اما احساسات خصوصی متغیرند. بدین‌صورت می‌توان نتیجه گرفت اصل حیات طیبه همچون میل به زندگی خوب، سعادت و رستگاری، یک تمایل ثابت در انسان است، اما بسته به شخصیت و فردیت هر انسان، اعتباری خصوصی نیز هست. اعتبارات به‌طور ذیل دستخوش تغییر می‌شوند (طباطبائی ۱۳۹۰، ۲: ۲۱۴-۲۱۵): مقتضیات زمانی و مکانی، کثرت ورود و تکرار یک فکر (توارث افکار، تلقین، اعتیاد و تربیت)، توسعه و تکامل معلومات بشر.

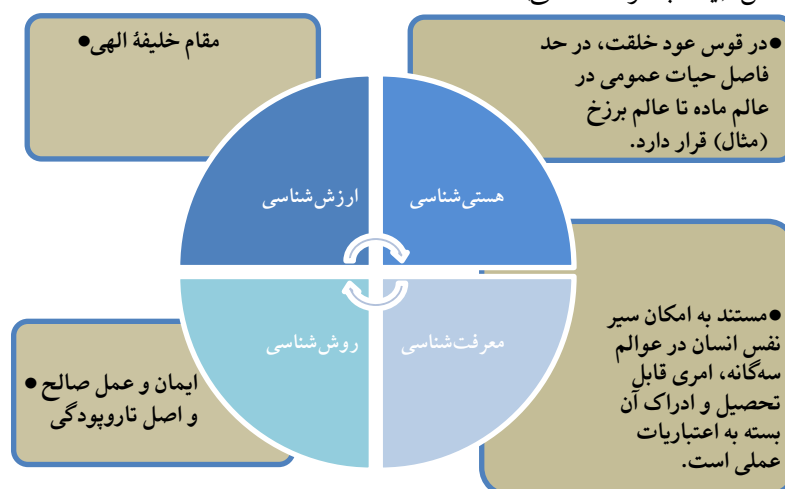
با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت چگونگی حیات طیبه در مقتضیاتی از جنس عوامل بالا تاروپود یافته است که در این پژوهش از آن به «اصل تاروپودگی» حیات طیبه یاد خواهد شد. حیات طیبه باید در ساحت تاروپودگی خود فهم شود و به‌تعبیری در یک زیست‌جهان مشخص یا در یک بستر انضمامی فهم گردد. بدین‌صورت ممکن است قرائت‌های گوناگونی از حیات طیبه در مکان‌های گوناگون باشد، اما ضرورت دارد که اصول حقیقی و مفاهیم هستی‌شناسانه، ارزش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه این دو قرائت یکی باشد. ازاین‌رو، تبیین اصل تاروپودگی برای هر پژوهش درباره حیات طیبه ضروری است.

۴. نتیجه‌گیری

حیات طیبه به‌عنوان یک صورت حیات دینی بر بهروزی و وضع مطلوب بشر از منظر شارع مقدس دلالت دارد. این مقاله به‌دنبال آن بود تا با ایضاح نظری و تبیین حدود و ثغور مفهومی حیات طیبه از طریق رویکرد پارادایمی، از سوگیری‌های روش‌شناختی جلوگیری کند و بستری برای کاربرست اصولی این مفهوم قرآنی در پژوهش‌های آینده ایجاد کند. پارادایم‌های پژوهشی معمولاً، علاوه بر اینکه جهت‌گیری نظری و زیربنایی یک مطالعه پژوهشی را منعکس می‌کنند، بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و ارزش‌شناختی یک محقق نیز هستند. بر این اساس، مفهوم حیات طیبه در چهار ساحت ذکرشده مبتنی بر نظر علامه طباطبائی مورد کندوکاو قرار گرفت.

در ساحت هستی‌شناسی، حقیقت انسان در عوالم سه‌گانه ماده، مثال و عقل منبسط است و انسان در مراتب هستی و حیات خود نزول یافته است و دوباره طی مراتبی صعود خواهد کرد. مراتب حیات انسانی در قوس نزول (بدء) به‌ترتیب برابر با عالم ذر، بهشت برزخی، حیات عدوانی و حیات عمومی است و در قوس صعود (عود) معادل

با حیات عمومی، حیات طیبه، برزخ و آخرت. نزول و هبوط انسان در قوسی تدریجی محقق می‌گردد، زیرا ضرورت هبوط تدریجی در نفی کامل انقطاع از امر متعالی پدیدار می‌گردد و هبوط دفعی موجب بسندگی انسان به دورن ماندگاری حیات عمومی خواهد بود و صعود دوباره انسان به جایگاه اصلی و ابتدایی‌اش را مخدوش می‌کند. ساحت ارزش‌شناسی در پی پاسخ به این سؤال بود که چه چیزی در نهایت برای انسان ارزش دارد. برای این منظور پس از تجمیع آیات مربوط به ایمان و عمل صالح، دلالت‌های این آیات استخراج شد. با تحلیل محتوای این آیات، ارزش‌شناسی حیات طیبه در دو بعد دنیوی و اخروی پیگیری شد و در هر بعد، مقامی مشابه یافت گردید؛ یعنی مقام «خلیفه الهی در زمین» و مقام «فعال مایشاء در بهشت». این دو مقام دو روی یک سکه هستند که به واسطه اصل تدریج و سلسله‌مراتب عوالم، هریک به نحوی، در امتداد یکدیگر و متناسب با مقتضیات عالم ماده، مثال و عقل تجلی یافته‌اند. لذا ارزش حیات طیبه بر اساس آیات قران کریم چه در قوس عود و چه در قوس بدء، در همین حقیقت خلیفه الهی نهفته است. در ساحت معرفت‌شناسی، امکان حیات طیبه متوقف بر امکان وجود در مراتب هستی است، زیرا که حیات هر حی نحوه وجود اوست و نحوه وجود، عامل و معین‌کننده آثار حیاتی است. از این رو امکان حیات طیبه با توجه به امکان سیر نفس انسان در عوالم سه‌گانه قوس عود، امری قابل تحصیل است. ادراک حیات طیبه نیز متوقف بر اعتباریات عملی است و علم حضوری به ربوبیت پروردگار در عالم ذر، زمینه ادراک سعادت در عالم ماده و به تبع آن حیات طیبه را میسر کرده است. قلمروی حیات طیبه در کران پایین، زندگی در عالم ماده است و در کران بالای آن اختلافاتی وجود دارد. اما می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که احیا به حیات طیبه موجب ترتب آثاری بر نفس و روح انسانی است که، مستند به جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقا بودن نفس، پس از ورود به عالم مثال این آثار باقی می‌ماند و بخش دیگر آن در عالم عقل متجلی می‌شود. در ساحت روش‌شناسی، ایمان و عمل صالح دو رکن اساسی برای احیا به حیات طیبه هستند. اما چگونگی و فرایند احیاء به حیات طیبه منوط به اصل «تاروپودگی» نیز هست. بر اساس این اصل، مقتضیات مکانی و زمانی، توسعه و تکامل معلومات بشر و تکرار یک فکر، بر درک ما از زندگی خوب و به تبع بر تصور حیات طیبه مؤثر است؛ از این رو، امکان بررسی حیات طیبه منوط به امکان تعریف آن در زیست‌جهانی مشخص (یک بستر انضمامی) است.



شکل شماره ۵. شماتیک عناصر پارادایم پژوهشی حیات طیبه

کتابنامه

قرآن کریم.

- احمدی، بابک. ۱۳۷۵. ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- اکبری، مرتضی، و فاطمه السادات غفوریان. ۱۳۹۴. تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار *Atlas.ti*. تهران: چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- باقری دولت‌آبادی، علی، و محمد باقری. ۱۳۹۴. «حیات طیب و شاخص‌های آن در شبکه مفهومی توسعه سیاسی در قرآن». پژوهش‌های سیاست اسلامی ۳(۷): ۱۱-۳۶.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۸۵. هرمنوتیک. قم: انتشارات توحید.
- سلطانی، اسحاق. ۱۳۹۹. رهیافتی به نظریه قرآنی آزادی (با تأکید بر آراء علامه طباطبائی). رساله دکتری منتشر نشده، استاد راهنما: منصور میراحمدی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حاجی صادقی، عبدالله، و ابوالقاسم بخشیان. ۱۳۹۳. «مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیب از منظر قرآن». انسان‌پژوهی دینی ۱۱(۳۱): ۱۶۵-۱۸۵.
- خسروپناه، عبدالحسین، و حسن پناهی‌آزاد. نظام معرفت‌شناسی صدرایی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- درخش، جلال، و حمیدرضا تبشیری. ۱۳۹۹. «تحلیل مؤلفه‌های «حیات طیب» در اندیشه سیاسی نوصدرائیان (با تأکید بر آراء شهید مرتضی مطهری)». دانش سیاسی ۲۰(۲): ۵۰۳-۵۴۰.
- زندیه، مهدی، و صدیقه رضایی. ۱۳۹۶. «واکاوی حقیقت حیات طیب، مراحل و عوامل وصول به آن از دیدگاه علامه طباطبائی رحمه‌الله». میثاق (۲): ۷۹-۱۰۰.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۴. تفسیر المیزان. ۲۰ ج. مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. ۱۳۸۷. انسان از آغاز تا فرجام. ترجمه و تعلیق: صادق لاریجانی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۰. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ۵ ج. مقدمه و پاورقی: مرتضی مطهری. تهران: نشر صدرا.
- کرمانی، طوبی، و صبیحه نباتی، صبیحه. ۱۳۹۶. «امت واحده، تفکر سیستمی الهی برای تحقق حیات طیب». پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی ۴(۸): ۵-۲۲.
- محمدقلی، ریحانه. ۱۴۰۱. پیش به سوی حیات طیب. تهران: پرناک.
- فرمehنی فراهانی، محسن، سینا فروزش، و محمدرضا مشمول حاجی‌آقا. ۱۳۹۸. «تبیین نابرخورداری‌های معنوی برگرفته از آموزه‌های تربیت عرفانی اسلامی در تربیت و مواجهه با نیاز مرتبی از دیدگاه مولانا در راستای تحقق حیات طیب». مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۴(۳): ۱۴۳-۱۷۸.
- مکتب‌دار، علیرضا. ۱۳۹۵. «نگاهی به مفهوم و مؤلفه‌های حیات طیب از نگاه قرآن کریم و امیر مؤمنان علیه‌السلام». علوم و معارف قرآن و حدیث (۸): ۹۹-۱۲۰.
- منافی، کاظم، زمانی، الهام؛ مهدوی‌خواه، علی. ۱۳۹۴. «سبک زندگی ایده‌آل در دستیابی به حیات طیب با تأمل بر آموزه‌های اسلامی»، مهندسی فرهنگی. ۹(۸۲)، ۶۶-۴۲.
- نادری، مهدی. ۱۳۹۵. «مدل نظری حیات طیب به مثابه آرمان انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (بر اساس روش تئوری داده‌بنیاد)». پژوهشنامه انقلاب اسلامی ۶(۲۰): ۴۱-۵۶.
- واسعی، هادی، محمد فولادی، و رویا بناکار. ۱۳۹۹. «واکاوی چیستی و جایگاه حیات طیب در اندیشه ملاصدرا»، انوار معرفت (۱)۹: ۷۱-۹۰.

یوسف‌زاده، حسن. ۱۳۹۸. «حیات معقول به مثابه پیشرفت». *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی* ۷(۱۴): ۲۵۱-۲۵۷.

Bibliography

The Holy Qur'an.

- Ahmadi, Babak. 1996. *Structure and Interpretation of Text*. Tehran: Nashr-i Markaz. [In Persian]
- Akbari, Morteza, and Fatemeh al-Sadat Ghafourian. 2015. *Qualitative Data Analysis Using ATLAS.ti Software*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Babbie ER. (2020). *The Practice of Social Research*. 15th ed. Cengage Learning.
- Bagheri Dolatabadi, Ali, and Mohammad Bagheri. 2015. "Pure Life and its Criteria in the Conceptual Network of Political Development in the Quran." *Islamic Politics Research* 3(7): 11-36. [In Persian]
- Barnhart, R. K., & Steinmetz, S. 1988. *The Barnhart Dictionary of Etymology*. [Bronx, N.Y.], H.W. Wilson Co.
- Blackburn, Simon 1994. *The Oxford Dictionary of Philosophy*. Oxford: Oxford University Press.
- Creswell J.W. 2013. *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating*. 4th ed. W. Ross MacDonald School Resource Services Library.
- Creswell JW, Hanson WE, Clark Plano, Morales A. 2007. Qualitative Research Designs: Selection and Implementation. *The Counseling Psychologist* 35 (2): 236-264.
- Creswell, J. W. 2014. *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Sage Publications.
- Dorakhshah, Jalal, and Hamidreza Tabshiri. 2020. "Components of the Life of Tayebeh in the Political Thought of the Newsadriadians Emphasizing on the Thought of Allameh Tabatabai and Martyr Motahhari." *Journal of Political Knowledge* 16(1): 117-144. doi: [10.30497/pk.2020.2680](https://doi.org/10.30497/pk.2020.2680) [In Persian]
- Farmahini Farahani Mohsen, Sina Foroozesh, and Mohammad Reza Mashmool Hajiagha. 2019. "Explanation of Spiritual Deprivations (on the basis of Islamic mystical teachings) in Training Students and Meeting Their Needs from Rumi's Viewpoint to the Realization of Hayat-e Tayyebah." *qaiie* 4(3): 143-178. [In Persian]
- Guba EG, Lincoln YS 1994. Competing Paradigms in Qualitative Research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (eds.), *Handbook of Qualitative Research*: 105-117. Sage Publications, Inc.
- Haji Sadeqi, Abdollah, and Abolqasem Bakhshian. 2014. "Conceptualizing and Truth-Seeking of the Pure Life from the Viewpoint of the Quran." *Religious Anthropology* 11(31): 165-185. [In Persian]
- Khosropanah, Abdolhossein, and Hasan Panahi-Azad. 2009. *Sadrian Epistemological System*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Kivunja C, Kuyini AB. 2017. "Understanding and Applying Research Paradigms in Educational Contexts." *International Journal of Higher Education* 6 (5): 26-41.
- Maktabdar, Alireza. 2016. "A Study of the Concept and Components of Hayat Tayyiba from the Perspective of the Holy Qur'an and Imam Ali (a.s.)." *Sciences and Teachings of Qur'an and Hadith* 8: 99-120. [In Persian]
- Mohamadi Gholi, Reyhaneh. 2022. *Towards Hayat Tayyiba*. Tehran: Parnak. [In Persian]
- Monafi, Kazem, Elham Zamani, and Ali MahdaviKhah. 2015. "The Ideal Lifestyle in Achieving Hayat Tayyiba with Reflection on Islamic Teachings." *Cultural Engineering* 9(82): 42-66. [In Persian]
- Nabaty, Sabiheh, and Touba Kermani. 2018. "The United Ummah, the Divine Systematic Ideology to Achieve Honorable Life." *Journal of Islamic Denominations* 4(8): 5-22. [In Persian]

- Naderi, Mahdi. 2016. "Theoretical Model of Pure Life as the Islamic Revolution's Ideal in Ayatollah Khamenei's Political Thought; A Grounded Theory Approach." *Islamic Revolution* 6(20): 41-56. doi: [10.22084/rjir.2016.1682](https://doi.org/10.22084/rjir.2016.1682) [In Persian]
- Scotland J. 2012. "Exploring the Philosophical Underpinnings of Research: Relating Ontology and Epistemology to the Methodology and Methods of the Scientific, Interpretive, and Critical Research Paradigms." *English Language Teaching* 5 (9): 9-16.
- Sobhani, Jafar. 2006. *Hermeneutics*. Qom: Towhid Publications. [In Persian]
- Soltani, Eshaq. 2020. *An Approach to the Qur'anic Theory of Freedom (with Emphasis on the Views of 'Allama Tabataba'i)*. Unpublished PhD Dissertation, supervised by Mansour Mirahmadi. Shahid Beheshti University, Tehran. [In Persian]
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. 1995. *Tafsir al-Mizan*. 20 vols. Translated by Sayyid Mohammad Baqir Mousavi Hamedani. Qom: Daftar-i Intisharat-i Islami-yi Jami'iyi Modarrisin-i Hawzihiyi Ilmiyyih-yi Qom. [In Persian]
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. 2008. *Man from Beginning to End*. Translated and Annotated by Sadeq Larijani. Qom: Bustan-i Ketab. [In Persian]
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. 2011. *The Principles of Philosophy and the Method of Realism*. 5 vols. Introduction and Footnotes by Morteza Motahhari. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Vasei, Hadi, Mohammad Fouladi, and Roya Bana Kar. 2020. "An Analysis of the Nature and Status of Hayat Tayyiba in the Thought of Mulla Sadra." *Anwar-e Ma'rifat* 18: 76-97. [In Persian]
- Wahyuni D. 2012. "The Research Design Maze: Understanding Paradigms, Cases, Methods and Methodologies." *Journal of Applied Management Accounting Research* 10(1): 69-80.
- Yusufzadeh, Hasan. 2020. "'Rational Life" as "Progress"'. *Iranian Pattern of Progress* 7(14): 251-277. doi: [20.1001.1.23225645.1398.8.2.9.7](https://doi.org/10.1001.1.23225645.1398.8.2.9.7) [In Persian]
- Zandieh, Mahdi, and Sedigheh Rezaei. 2017. "An Analysis of the Reality of Hayat Tayyiba, Its Stages and Factors of Attainment from the Viewpoint of 'Allama Tabataba'i." *Mithaq Journal of Qur'anic Studies* 2: 79-100. [In Persian]

یادداشت‌ها

1. Research Paradigm

2. ATLAS.ti

۳. نحل/۹۷: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

4. Approches

5. Paradigm

6. Research Paradigm as an Approach

7. ontology

8. What

9. engagement

10. Axiology or value theory

11. Why

12. Epistemology

13. knowledge

14. Methodology

۱۵. حجر/۲۱: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»

۱۶. «و از تو درباره روح میپرسند، بگو: روح از امر پروردگار است و از علم به شما جز اندکی نداده‌ایم»
۱۷. یس/۸۲: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»
۱۸. اعراف/۵۴: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»
۱۹. حجر/۲۱: «و ان من شيء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم»؛ بقره/۱۵۶: «انا لله و انا اليه راجعون»
۲۰. یونس/۴: «إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»
۲۱. اعراف/۱۷۲: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ»
۲۲. اعراف/۱۷۲: «بلى شهدنا»
۲۳. بقره/۳۵: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»
۲۴. بقره/۳۶: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ»
۲۵. بقره/۳۷: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ، فَتَابَ عَلَيْهِ»
۲۶. بقره/۱۵۶: «أَنَا اللَّهُ وَ أَنَا إِلَهُ رَاجِعُونَ»
۲۷. انشقاق/۶: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَايِقِهِ»
۲۸. تين/۵: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»
۲۹. محمد/۳۶: «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ؛ كهف/۷: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»
۳۰. نحل/۹۷: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»
۳۱. روم/۸: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى»
۳۲. عنكبوت/۵: «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتٍ»
۳۳. زمر/۴۲: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»
۳۴. مؤمنون/۱۰: «وَمَنْ وَرَأَاهُمْ بَرَزَخُ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»
۳۵. مؤمن/۴۶: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»؛ مريم/۶۲: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»
۳۶. زمر/۶۸: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»
۳۷. حجر/۹۲-۹۳: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ اعراف/۶: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»؛ صافات/۲۴: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»
۳۸. اعراف/۲۰: «فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ»؛ طه/۱۲۰: «فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ»
۳۹. تغابن/۹: «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»
۴۰. فاطر/۳۵: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»